

دکتر علی اکبر خدیری زاده

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

فاطمه دانش شکیب

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

چکیده

در سال های نخست قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی، با شکست ایران در جنگ با روسیه و ورود ناخواسته ایران به چرخه نظام سرمایه داری غرب، اقتصاد ایران در بخش های کشاورزی، تجارت و صنایع دستی دچار بحران اساسی شد. با برقراری نظام مشروطه، طرح نوسازی اقتصادی در دستور کار مشروطه خواهان قرار گرفت، لیکن بحران های سیاسی- اجتماعی عصر مشروطه و اشغال ایران در سال های جنگ جهانی اول مانع از تداوم نوسازی در ساختار اقتصادی ایران شد. پس از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش لزوم نوسازی اقتصادی و نقش پول در نوسازی کشور مورد توجه روشنفکران تجدید خواه قرار گرفت. در این راستا پیشنهادهای در مطبوعات دوره مورد نظر در زمینه رونق کشاورزی، بهبود تجارت، ارتقا صنعت و واگذاری امتیاز به سرمایه گذاران خارجی مطرح گردید. بر این اساس در مقاله حاضر به بررسی و بازخوانی برخی از پیشنهادات مندرج در مطبوعات سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ش در خصوص لزوم نوسازی ارکان اقتصاد ایران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مطبوعات، اقتصاد، کشاورزی، تجارت، صنعت، معادن، نفت

مقدمه:

نفوذ غرب در ایران از ابتدای قرن نوزدهم با تهاجم روسیه به مرزهای ایران آغاز شد، که سرانجام آن دو معاهده گلستان ۱۱۹۲ ه.ش و ترکمانچای ۱۲۰۷ ه.ش بین ایران و روسیه بود. از این تاریخ به بعد نفوذ اقتصادی غرب در ایران رو به فزونی نهاد. زیرا تجار روسی از حقوق گمرکی ۵٪ بهره مند شده، اجازه یافتند در سراسر ایران مراکز تجاری دایر نمایند. (یرواند آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۶۶-۶۷) همچنین دولت ایران موظف به حمایت از روسهای مقیم ایران و حفظ اموال منقول و غیر منقول آنان در هر نقطه از کشور شده، اتباع روسی حق کاپیتولاسیون به دست آوردند. این در حالی بود که از تولیدات داخلی بارها و تحت عناوین مختلفی چون «راهداری»، «دروازه بانی» و... مالیات دریافت می شد. بدیهی است که کالاهای داخلی قدرت رقابت با کالاهای روسی که تنها یکبار آن هم به مقدار اندک عوارض می پرداختند را نداشتند. (ابراهیم رزاقی، ۱۳۶۷: ۴) از سال ۱۲۳۶ ه.ش با حذف افغانستان از نقشه ایران، نفوذ اقتصادی انگلیس نیز بر ایران تحکیم شد و این موضوع ضربه بزرگی به اقتصاد ایران وارد نمود. در این راستا عباس میرزا تلاش کرد با تحریم پارچه های وارداتی با این معضل مبارزه کند. (یرواند آبراهامیان: همان)

این بحران از آغاز حکومت محمد شاه (۱۲۵۱ ه.ق) به خوبی خود را آشکار ساخته، وی دست به تلاشی بی فایده برای جلوگیری از واردات پارچه های هندی- انگلیسی به صورت ممنوع کردن واردات و تشویق تولید کنندگان داخلی زد، (چارلز عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۱۸) همچنین تولید و صادرات ابریشم (محمد علی جمالزاده، ۱۳۸۴: ۲۵) و صادرات پنبه مورد توجه قرار گرفت، (چارلز عیسوی، همان: ۳۷۶) که اولی به دلیل آفت و دومی به دلیل رقیب قدرتمندی چون آمریکا موفقیت آمیز نبود. (محمد علی جمالزاده، همان: ۲۵) اصلاح گر دیگر امیر کبیر نیز در راستای نوسازی اقتصادی پانزده کارخانه ساخت و عوارض گمرکی را افزایش داد. (یرواند آبراهامیان، همان: ۷۰)

در عصر ناصرالدین شاه حکومت ناگزیر از واگذاری امتیازات فراوانی به دو دولت روس و انگلیس شده، به طوری که آن دوره به «عصر امتیازات» معروف شد. (ابراهیم رزاقی، همان: ۷) این امر که به نفوذ هر چه بیشتر اقتصادی غرب انجامید، نابودی صنایع دستی و کشاورزی ایران را به همراه داشت. (همان: ۱۰) از جمله این امتیازات می توان به امتیاز بهره برداری از دریای خزر، تشکیل هنگ قزاق زیر نظر افسران روس، امتیازات کشتیرانی در رودخانه کارون و دریاچه خزر، امتیاز تاسیس بانک شاهنشاهی به انگلیس، انحصار خرید و فروش و صدور دخانیات، تاسیس

بانک استقراضی روس، امتیاز نفت داری، امتیازات راه آهن، امتیاز احداث راه شوسه، تاسیس خطوط تلگراف، بهره برداری از معادن و جنگلها و... اشاره کرد. (پرواند آبراهامیان، همان: ۷۱-۷۰) به این ترتیب، شکست های نظامی به امتیازات دیپلماتیک منجر شد، امتیازات دیپلماتیک، امتیازات تجاری را به دنبال آورد، امتیازات تجاری راههای نفوذ اقتصادی را هموار ساخت و نفوذ اقتصادی نیز صنایع دستی را تضعیف کرد و در نتیجه آشفتگی های اجتماعی شدیدی پدید آمد. (همان، ۶۷) ورود غرب به این شکل باعث ایجاد بحران اقتصادی و فقر شدید در میان توده و تضعیف صنایع دستی گردید. که این امر به اضافه واگذاری امتیاز تالوت-امتیاز انحصاری پنجاه ساله توزیع و صدور تنباکو- منجر به اعتراضات داخلی شد؛ که به جنبش تنباکو انجامید. (احمد موثقی، ۱۳۸۵:۱۷۱)

از این قیام می توان به عنوان مقدمه ای بر نهضت مشروطه نام برد، زیرا صرف نظر از بحران های اقتصادی و واگذاری امتیازات به دول اروپایی، اخذ وام از دول خارجی نیز بر وخامت اوضاع افزود؛ که اوج آن را می توان در ترور ناصرالدین شاه و تاجگذاری مظفرالدین شاه با وام اخذ شده از بانک شاهنشاهی مشاهده کرد. (همان: ۱۷۵) بحران اقتصادی اوضاع نابسامان کشاورزی، ضعف تجارت، جنگ روس و ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵م. روسیه به گرانی و تورم شدید در ایران انجامید. این بحران اقتصادی موجب سه اعتراض پی در پی شد که بیشتر جنبه اقتصادی داشت و سرانجام به انقلاب مشروطه انجامید. (پرواند آبراهامیان، همان: ۱۰۴)

از اهداف انقلاب مشروطه توسعه و صنعتی شدن، بهبود اوضاع اقتصادی کشور و همچنین نظارت بر بودجه، وام ها، امتیازات و انحصارات بود که نمونه آن را می توان در مجلس اول مشاهده نمود، (۱۲۸۸-۱۲۸۶ه.ش). (محمد تقی بهار، ۱۳۵۷: ۲) این مجلس اقدامات مهمی در زمینه نوسازی اقتصادی انجام داد و برخی از سنت های قدیمی مثل تیول داری را از بین برد. (جان فوران، ۱۳۷۷: ۲۸۲) اما مجلس قادر به بهبود بحران اقتصادی و کاهش تورم در کشور نشد. (پرواند آبراهامیان، همان: ۱۱۹)

با به توپ بسته شدن مجلس توسط محمد علی شاه و سپس نقش آفرینی زمین داران برای استقرار دوباره مشروطه قدرت اقتصادی همچنان در دست زمین داران و مالکان بزرگ باقی ماند. با این حال احزاب در مجلس دوم همچنان خواهان نوسازی اقتصادی مانند: «قانون منع احتکار»، «تقسیم املاک بین رعایا»، «تاسیس بانک فلاحتی» و... بودند. از دیگر اصلاحات اقتصادی این مجلس می توان به نوسازی مالیه ایران زیر نظر شوستر آمریکایی اشاره کرد. (احمد موثقی،

همان: ۱۸۵) افتتاح مجلس سوم همزمان با تاجگذاری احمد شاه در سال ۱۲۹۳ ه.ش و مقارن با آغاز جنگ جهانی اول در اروپا می باشد. (علی اصغر شمیم، ۱۳۴۲: ۵۵۱) اوضاع اقتصادی ایران در این زمان بسیار وخیم تر شد. به گونه ای که وام های ایران ۷ میلیون لیره برآورد شده است، (محمد علی مهمید، ۱۳۶۱: ۳۰۳) علاوه بر آن علیرغم اعلام بیطرفی ایران در جنگ جهانی، کشور صحنه درگیری میان نیروهای متحدین و متفقین شد. بنابراین محصولات کشاورزی و دامی ایرانیان توسط دول خارجی درگیر جنگ به غارت رفت و واردات کالاهای خارجی بر صادرات افزایش یافت. (جان فوران، همان: ۲۹۶)

در این هنگام در خارج از مرزهای ایران، انقلاب سال ۱۹۱۷ م. روسیه به خروج نیروهای آن کشور از ایران انجامید و حکومت جدید در روسیه در سال ۱۲۹۷ ه.ش تمامی پیمان ها و امتیازات دولت تزاری را ملغی کرد، بنابراین سلطه اقتصادی روسیه بر ایران پایان یافته، سلطه اقتصادی انگلیس عمیق تر شد. (همان: ۲۹۷)

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش سرآغاز دوران جدیدی در نوسازی آمرانه در ایران بود. نخستین بیانیه رهبر سیاسی کودتا، سید ضیاء الدین طباطبائی، به اصلاحات اقتصادی نیز توجه داشت. (محمد رضا خلیلی خو، ۱۳۷۲: ۱۲۹) از جمله می توان به تقسیم اراضی دولتی، بهبود حمل و نقل، تجارت و صنعت اشاره کرد. (غلامعباس مصلی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۷)

پس از فترت ۵ ساله، مجلس چهارم در سرطان ۱۳۰۰ ه.ش توسط احمد شاه گشایش یافت. (محمد رضا خلیلی خو، همان: ۱۰۷) احمد شاه نیز در نطق خود به مناسبت افتتاح مجلس بر لزوم اصلاحات اقتصادی به خصوص ترقی و توسعه کشاورزی، پافشاری کرد. (حسین مکی، ۱۳۵۸: ۲۴۹) مجلس چهارم نیز در راستای نوسازی اقتصادی لایحه ای مبنی بر استخدام مستشاران خارجی برای امور مالی، بهره برداری از نفت شمال، (منصوره اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۸۵) تاسیس شرکت های مختلف در راستای افزایش اشتغال و حل بحران بیکاری، تنظیم بودجه و... به مجلس ارایه داد. (حسین آبادیان، ۱۳۸۹: ۹۸)

پس از سقوط سید ضیاء، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ه.ش به دلیل اوضاع نابسامان در کشور پنج دولت بر سر کار آمدند؛ قوام السلطنه خرداد ۱۳۰۰ ه.ش در بیانیه خود اصلاح امور کشاورزان، بهبود شیوه معیشت آنان، تهیه سرمایه از منابع داخلی برای تاسیس بانک، بهره برداری از معادن در راستای اشتغال زایی، تهیه سرمایه برای گسترش ادارات کشور، اصلاح اوضاع مالی کشور، توسعه سواد

آموزی، اصلاح سیستم قضایی، را از برنامه‌های خود برای نوسازی ذکر کرد. (حسین مکی، همان: ۲۴۴-۲۴۰)

پس از استعفای قوام، دولت مشیرالدوله در بهمن ۱۳۰۰ ه.ش در راستای اصلاحات اقتصادی، واگذاری امتیاز نفت شمال، رونق تجارت، بهبود وضعیت حمل و نقل را مورد توجه قرار داد. (حسین مکی، همان: ۴۲)

دولت دوم قوام (خرداد ۱۳۰۱ ه.ش) در راستای اصلاح اوضاع مالی و مالیه دکتر میلسپو را برای استخدام مالیه کل کشور معرفی کرد. (همان: ۷۹) دولت قوام در بهمن ۱۳۰۱ ه.ش جای خود را به دولت مستوفی الممالک داد. (همان: ۱۱۸) مستوفی الممالک در برنامه تقدیمی خود به مجلس در برنامه نوسازی اقتصادی خود، در زمینه بسط روابط خارجی، امتیازات نفت برای بهبود اقتصادی مردم، تاسیس راه آهن و تکمیل راه شوسه، اصلاح ادارات مالیه، قانونهایی در زمینه تجارت و... پیشنهادهای ارایه کرد. (همان: ۱۷۰-۱۶۹)

پس از کناره گیری مستوفی الممالک در خرداد ۱۳۰۲ ه.ش دولت مشیرالدوله که تا آبان ۱۳۰۲ ه.ش بر سر کار بود، (علی اصغر شمیم، همان: ۶۳۹) در برنامه خود بهبود اوضاع اقتصادی را به ملت وعده داد. (حسین مکی، همان: ۲۴۱)

پس از مشیرالدوله نوبت به دولت رضا خان سردار سپه رسید (آبان ۱۳۰۲ ه.ش) چند ماه بعد مجلس پنجم در بهمن ۱۳۰۲ ه.ش با نطق ولیعهد محمد حسن میرزا افتتاح شد. وی در نطق خود «بهبودی امور اقتصادی» را خواستار شد. (همان: ۳۰۵) در دوره مجلس پنجم حزب تجدد تشکیل یافت. از اهداف این حزب صنعتی نمودن ایران بوده، حزب تجدد بر این باور بود که نوسازی اقتصادی و صنعتی شدن ایران تنها توسط سردار سپه ممکن می باشد. از طرفی در این زمان سرکوب شیخ خزعل (۱۳۰۳ ه.ش) توسط نخست وزیر باعث الحاق نواحی نفت خیز به ایران شده توجه انگلستان در راستای نفوذ استعماری بیشتر به رضا خان معطوف شد. (جان فوران، همان: ۳۰۸) علاوه بر آن، جریان روشنفکر تجدد خواه نیز اصلاح ساختارهای اقتصادی و فرهنگی در کشور را تنها توسط یک دیکتاتور مصلح ممکن می دانست. (تورج اتابکی، ۱۳۸۵: ۳۰)

در مجموع با بررسی مقالات اقتصادی مطبوعات تهران (۱۳۰۴-۱۳۰۰ ه.ش) می توان ارکان مهم نوسازی اقتصادی را در چهار بخش مورد ارزیابی قرار داد که عبارتند از: ۱- کشاورزی ۲- تجارت ۳- صنعت ۴- معادن و نفت.

۱- کشاورزی:

با توجه به نقش و اهمیت کشاورزی در رونق اقتصادی کشور، مطبوعات تهران طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ش به نوسازی در زراعت و کشاورزی توجه ویژه‌ای دارند؛ برای نمونه: ماهنامه «آینده» در باب نوسازی اقتصادی با ذکر این مطلب که «رفع بحران اقتصادی ایران منوط بترقی فلاح است» راه رسیدن کشور به اقتصاد قوی را در توسعه کشاورزی ذکر می‌کند. (آینده، س ۱، ش ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش) از جمله ابریشم را از منابع مهم ثروت و تخم نوغان را از مهمترین صادرات ایران دانسته، توضیح می‌دهد با توجه به هزینه و زمانی که صرف تولید آن می‌شود. تولید و صادرات ابریشم از بهترین راههای بهبود اوضاع اقتصادی است. این نشریه البته شرط پیشرفت تولید در کشاورزی را استخدام متخصصین خارجی ذکر می‌کند. (آینده، س ۱، ش ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش) «آینده» همچنین نقش آب و آبیاری و دفع آفات را در ارتقا کشاورزی توضیح داده، در این راستا از دولت خواستار تعیین بودجه برای سد سازی می‌باشد. (آینده، همان)

نشریه «بلدیه»، ماهنامه «فلاح و تجارت» و روزنامه «ایران آزاد» نیز در خصوص سد سازی با مجله «آینده» هم عقیده بوده، به همین دلیل «بلدیه» در راستای نوسازی کشاورزی و زراعت از دولت خواستار ساخت سدهای مختلف در کشور از جمله ساخت سد بر روی رودخانه جاجرود می‌شود. (بلدیه، س ۴، ش ۱۳، بهمن ۱۳۰۴ ه.ش)

«فلاح و تجارت» نیز شرط بهبود کشاورزی که آن را اصلی‌ترین شغل در ایران خوانده را در «اصلاح در امور آبیاری و جمع آبها» می‌داند. نویسنده عقیده دارد زمین‌های زیادی در کشور وجود دارند که به علت کمبود آب، بی‌استفاده مانده‌اند. بنابراین دولت می‌تواند آنها را به قیمت بسیار اندک اجاره کرده، پس از آبادانی در اختیار کشاورزان قرار دهد. در صورت عملی شدن این پیشنهاد، کشاورزی ایران صنعتی شده، ترقی خواهد کرد. نتیجه این اقدام ثروتمند شدن و توسعه ایران خواهد بود. (فلاح و تجارت، س ۴، ش ۳، جوزا ۱۳۰۰ ه.ش)

«ایران آزاد» نیز در خواست اهالی اصفهان از دولت مبنی بر الحاق آب کارون به رودخانه زاینده رود را مورد بررسی قرار داده، امیدوار است این درخواست توسط مجلس تصویب شود. نویسنده این اقدام را گامی مهم در راستای بهبود اوضاع کشاورزان و در نهایت رونق اقتصادی کشور می‌داند. (ایران آزاد، س ۱، ش ۷، ۳۰ دلو ۱۳۰۰ ه.ش)

«دنیای امروز» نیز بر این باور است که رونق کشاورزی به بهبود شیوه معیشت مردم خواهد انجامید. بنابراین در تقدیر از کاشف السلطنه از دولت خواستار توسعه در کشت چای بوده، این

زراعت را منشاء منافع مالی بی شماری برای ایران می داند. (دنیای امروز، س ۱، ش ۱، ۲۶ تیر ۱۳۰۱ ه.ش)

«ایران» نیز در مقاله‌ای به قلم «هانس شینکر» کارشناس مسایل کشاورزی از وضعیت زراعت در ایران اظهار تاسف کرده، شرط پیشرفت اقتصاد ایران را رونق کشاورزی می داند. وی اصلاح زراعت ایران را منوط به تقسیم آب‌ها، اهمیت قنوت، کاشت و آبیاری محصول، کود، حمل و نقل، آفت، حفظ تعادل قیمت، تاسیس مدارس انجمنها و دایر کردن نمایشگاهها زراعتی، بانک کشاورزی و تشکیل وزارت کشاورزی می داند. (ایران، س ۵، ش ۹۷۳، ۱۳ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش) این نشریه همچنین حمایت از کشاورزان را در رونق کشاورزی مهم دانسته، از آن به عنوان «امنیت حقیقی» نام برده، آن را چنین توضیح می دهد: «امنیت حقیقی صیانت حقوق زیر دستان از تجاوز زیر دستان بوده و باید هر ضعیفی از تصدی قوی محفوظ بماند چنانچه اگر از اقصی دهات ایران از یک مامور یا مستخدم دولتی شکایت برسد ما باید آنرا در درجه اول از اهمیت قرار داده و با تمام قوا حقانیت را بعمل آوریم» تنها در این صورت کشاورزان قادر به پیشرفت خواهند بود. (ایران، س ۵، ش ۱۶۸، ۶ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش)

روزنامه «ستاره ایران» نیز رونق کشاورزی را با توجه به زراعتی بودن کشور، راهی مهم در شکوفایی اقتصادی دانسته، در این راستا از دولت خواستار تاسیس بانک کشاورزی می‌باشد. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۴۶، ۲۲ حوت ۱۳۰۲ ه.ش) این نشریه ضمن انتقاد به دولت به دلیل عدم توجه به زمین های کشاورزی، زراعت در ایران را به دلیل عدم قوانین در رابطه مالک و رعیت و فقدان تجهیزات مدرن کشاورزی «خجالت آور» خوانده، بر این باور است که زراعت در ایران هیچ گونه منافع مالی برای کشاورز ندارد. به همین دلیل خواهان حمایت دولت و مجلس از کشاورزان بوده، از مجلس خواستار تصویب قوانینی در خصوص تحدید اربابان و حمایت از زارعین می باشد. این نشریه رونق کشاورزی را منوط به صنعتی کردن آن دانسته، پیشنهاد تشکیل یک شرکت در خصوص واردات ماشین های کشاورزی را می دهد. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۰۲، ۲۵ جدی ۱۳۰۲ ه.ش) همچنین خواستار تاسیس مدارس «فلاحتی» در راستای ارتقای سطح دانش کشاورز زاده گان است. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۹۵، ۵ جوزا ۱۳۰۳ ه.ش)

«شفق سرخ» نیز از اینکه اقتصاد کشاورزی در ایران از بین رفته، اظهار تاسف نموده. (شفق سرخ، س ۱، ش ۳۰، ۱۱ جوزا ۱۳۰۱ ه.ش) همچون روزنامه «ستاره ایران»، دلیل عقب ماندگی زراعت در ایران را مهاجرت روستاییان به شهرها و دلگرم نبودن ایشان به زمین خود به دلیل نظام اربابی و

رعیتی ذکر کرده، راه اصلاح اوضاع را وضع قوانین جدید و قابل اجرا در خصوص روابط ارباب و زارع همچنین انتقال زمینهای بایر سطح کشور به روستائیان و ساخت مدارس کشاورزی برای بالا بردن سطح آگاهی فرزندان روستائیان می‌داند. (شفق سرخ، س ۴، ش ۳۲۱، ۲۳ فروردین ۱۳۰۴. ش) «طوفان» نیز راه حل بحران اقتصادی در کشور را تشویق کشاورزان، تقسیم اراضی خالصه بین زارعین، احترام به زارعین می‌داند. (طوفان، س ۳، ش ۱۵، ۷ میزان ۱۳۰۲. ش)

هفته نامه «قرن بیستم» نیز با «طوفان» هم نظر بوده، در راستای نوسازی کشاورزی خواهان وضع قوانینی در خصوص روابط ارباب و رعیت، اصلاحات ارضی، تقسیم اراضی بین کشاورزان و جلوگیری از ظلم زمینداران است. زیرا وضع این قوانین را مترداف با پیشرفت و ترقی زراعت در ایران ذکر می‌کند. (قرن بیستم، س ۱، ش ۲، ۲۱ آثور ۱۳۰۰. ش)

«نهضت شرق» نیز از دولت خواستار تقسیم «اراضی خالصجات» - زمین‌های دولتی - و «اصلاحات ارضی» بوده، به خصوص بر لزوم اصلاحات ارضی پافشاری کرده، از دولت خواستار فروش این زمین‌های دولتی به خرده مالکان، سرمایه داران کوچک یا بیکاران جویای کار است. (نهضت شرق، س ۱، ش ۷، ۲۰ جدی ۱۳۰۰. ش) این نشریه وضع ولایات را به توجه به نظام ارباب و رعیتی «یاس آور و نگران آمیز» توصیف کرده، با انتقاد از اوضاع خان خانی حاکم در ولایات و ستم بر مردمی که «اتباع ایران» هستند، مجلس را به دلیل عدم رسیدگی در این خصوص مورد انتقاد قرار داده، هر گونه اصلاح اقتصادی را منوط به حل این اوضاع ذکر می‌کند. (نهضت شرق، س ۱، ش ۴۰، ۷ جوزا ۱۳۰۱. ش)

«پیکان» نیز خواستار تصویب قوانینی در خصوص روابط مالک و رعیت بوده، از مجلس به دلیل حضور اشراف و ملاکین انتقاد می‌کند. آنان را از موانع اصلاحات اقتصادی، به خصوص تصویب قوانینی در خصوص تحدید مالکان می‌داند. (پیکان، س ۱، ش ۹، ۲۰ حمل ۱۳۰۲. ش) این نشریه همچنین خواستار صنعتی کردن کشاورزی می‌باشد. (پیکان، س ۱، ش ۶۱، ۲۵ مهر ۱۳۰۲. ش) مجله «علوم مالیه و اقتصاد» با بیان این نظر که رونق کشاورزی به بحران اقتصاد در ایران خاتمه می‌دهد. به کشت تریاک اشاره کرده، این ماده را به دلیل مصارف دارویی دارای بازار خوبی در اروپا می‌داند. با اعلام این که بسیاری از کشاورزان برای دریافت مبلغ بیشتر مبادرت به قاچاق تریاک می‌کنند، اظهار تاسف کرده، از دولت خواستار نظارت بیشتر بر زارعین است. (علوم مالیه و اقتصاد، س ۱، ش ۲، جوزا - سرطان - اسد ۱۳۰۳. ش)

«کوشش» با توجه به نقش زراعت در رونق اقتصاد ایران بر صنعتی نمودن کشاورزی تاکید کرده، (کوشش، س ۲، ش ۱۰۹، ۴ قوس ۱۳۰۳ ه.ش) بر این باور است که در صورت اقدام و عمل با توجه به شرایط ایران می توان این کشور را در ردیف بزرگترین کشورهای کشاورزی در آورد. (کوشش، س ۱، ش ۱۰۵، ۲۵ قوس ۱۳۰۲ ه.ش)

«ندای قدس» با طرح سوال «آمریکا از کجا و از چه نقطه شروع به سیر راه تمدن کرد؟» کشور آمریکا را یک الگوی نوسازی برای کشور ایران دانسته، دلیل اصلی موفق بودن اقتصاد آمریکا را در کلمه «زراعت» خلاصه می داند. این نشریه بر این باور است که زمین در ایران حکم «گنج» را دارد و در صورت بهره برداری از آن ایران تبدیل به کشوری مدرن خواهد شد. (ندای قدس، س ۱، ش ۲، آبان ۱۳۰۴ ه.ش)

«ممات و حیات» نقش راه آهن را در رونق کشاورزی بسیار پررنگ دانسته، هرگونه اصلاحات زراعی را منوط به ساخت راه آهن می داند. همچنین بر این باور است که ایران در صورت ساخت راه آهن قادر به صادرات محصولات کشاورزی خود به اقصی نقاط جهان است. (ممات و حیات، ثور ۱۳۰۱ ه.ش)

نشریه «حیات ایران» برخلاف نظریه مجله «ممات و حیات» بر این باور است که کشاورزی ایران دچار آسیب های فراوانی شده، قادر به صادرات نمی باشد. البته نقش کشاورزی در ارتقاء ایران را در مقاله ای به نام «توسعه فلاحت موجب رفع فلاکت است» توضیح می دهد و از دولت می خواهد ابتدا توسعه و رونق زراعت را مد نظر قرار داده، سپس به صادرات بیاورد. (حیات ایران، س ۲، ش ۹۴، ۲۸ قوس ۱۳۰۲ ه.ش) «اتحاد» با «حیات ایران» هم نظر بوده، «متروک گذاردن فلاحت و زراعت» را به نفع اقتصاد ایران نمی داند. (اتحاد، س ۱، ش ۱۴۵، ۲۲ حمل ۱۳۰۱ ه.ش)

روزنامه «پژوهش» نیز در مقاله ایی به نام «ثروت در فلاحت است»، کشاورزی را از شغل های باستانی ایران دانسته، بر این باور است که علاوه بر حاصلخیزی خاک ایران، مردم این کشور نیز از دیر باز در کشاورزی و حفر قنوات مهارت داشته اند؛ بنابراین اگر ایران اقتصاد کشاورزی خود را رونق دهد؛ خواهد توانست با کشورهای بزرگ رقابت کند. «پژوهش» علت اصلی عقب ماندگی زراعت در ایران را کشاورزی با «اصول کهنه قرون وسطی» دانسته، از دولت خواستار رسیدگی به این اوضاع است. (پژوهش، س ۱، ۱۴ سرطان ۱۳۰۱ ه.ش)

روزنامه «حقیقت» هم با توجه به شرایط آب و هوایی ایران به دلیل توانایی در تولید محصولات گرمسیری و سردسیری از دولت خواستار رونق اقتصاد کشاورزی می باشد. (حقیقت، س ۱، ش ۱۷، ۱۶ دلو ۱۳۰۰ ه.ش)

۲- تجارت:

از آن جایی که تجارت و بازرگانی یکی از ارکان اقتصاد ایران را در طول تاریخ تشکیل می داد، نشریه «حقیقت» بر این باور است که تجارت ایران به دلیل واردات اجناس خارجی رو به اضمحلال رفته است؛ این نشریه راه نجات تجارت ایران را محدود کردن واردات کالاهای لوکس خارجی از راه بستن گمرکات سنگین، رونق تولید داخلی و تشویق سرمایه داران و تجار برای سرمایه گذاری در داخل کشور و (حقیقت، س ۱، ش ۴۰، ۱۷ حوت ۱۳۰۰ ه.ش) از همه مهمتر استفاده از محصولات داخلی می داند. (حقیقت، س ۱، ش ۴۶، ۲۵ حوت ۱۳۰۰ ه.ش) این نشریه خواستار «توسعه دادن تشکیلات صنفی کارگر تجار کسبه» در راستای رونق تجارت و اقتصاد در کشور است. (حقیقت، س ۱، ش ۷۲، ۱۴ ثور ۱۳۰۱ ه.ش)

«فلق» نیز با اشاره به بحران اقتصادی، از دولت خواستار به جریان انداختن تجارت و از بین بردن فقر می باشد. از مردم و تجار نیز می خواهد کالاهای غیر ضروری خارجی را تحریم نمایند، همچنین نقش دولت در ایجاد توازن در صادرات و واردات را اساسی می داند. (فلق، س ۱، ش ۸، ۲۹ دلو ۱۳۰۱ ه.ش)

روزنامه های «ایران» و «ایران آزاد» نیز با نشریه «فلق» هم نظر بوده، اصلاح در تجارت را در نوسازی کشور مهم ذکر می نمایند. در این راستا از دولت خواستار توازن در صادرات و واردات و ممانعت از ورود کالاهای لوکس خارجی به کشور می باشند؛ این دو نشریه بر این باور هستند که در این صورت ارز به صورت متعادل از کشور خارج خواهد شد. (ایران، س ۵، ش ۱۶۸، ۶ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش؛ ایران آزاد، س ۱، ش ۲۶، ۵ ثور ۱۳۰۱ ه.ش)

«خلق» نیز به تجارت خارجی ایران انتقاد کرده، صادرات و واردات کشور را متوازن و به نفع اقتصاد نمی داند. (خلق ناهید، س ۵، ش ۲۹، ۲۱ آذر ۱۳۰۴ ه.ش)

«قرن بیستم» هم از مخالفان وارد کردن اجناس لوکس و تجملی به ایران بوده، در خبری درباره تشکیل «اتحادیه تجار» دلیل تشکیل این اتحادیه را، تشکیل جلسه ای در خصوص واردات و صادرات اجناس و در خواست از دولت در خصوص ممنوعیت واردات بیهوده دانسته، بر عمل این

اتحادیه صحه میگذارد. با این حال عمل به آن را ممکن ندانسته، زیرا عقیده دارد افراد در راس امور این کالاها را به طور غیر مستقیم وارد کرده، گرانتز در دسترس عموم قرار می‌دهند. (قرن بیستم، س ۲، ش ۷، ۲۷ دلو ۱۳۰۱ه.ش)

«قشون» نیز یکی از دلایل ضعف اقتصاد کشور را «ازدیاد احتیاج بمصنوعات خارجه» دانسته، در مقایسه با صادرات و واردات با تاسف اعتقاد دارد که ایرانیان حتی «کفن» را وارد کرده، در مقابل هیچ صادراتی ندارند. این اوضاع را باعث «ورشکستگی کامل ملی» دانسته، راه بهبود این وضع را در «قناعت» می‌داند. از سردار سپه به این علت که دستور داده برای نظامیان و اعضاء دولت لباس «وطنی» دوخته شود، تشکر می‌کند. این نشریه از صاحبان صنایع داخل می‌خواهد در خصوص کالاهای خود تبلیغاتی انجام داده، کالاها را با قیمت مناسب به دست مصرف کننده برسانند، از مردم نیز می‌خواهد جذب کالاهای لوکس خارجی نشده، این شیوه را «نهضت صنعتی» در ایران می‌نامد. (قشون، س ۲، ش ۵، ۱ حمل ۱۳۰۱ه.ش)

«ناهد» نیز رونق تجارت را باعث اعتلای اقتصاد کشور دانسته، (ناهد، س ۳، ش ۱۵، ۷ سرطان ۱۳۰۳ه.ش) از اینکه برخی از تجار فقط در نقش دلال اجناس لوکس خارجی ظاهر می‌شوند، اظهار تاسف می‌کند. بر این باور است که این نوع تجارت تنها باعث خارج شدن ثروت ملی شده و فایده‌ای نیز برای بهبود اوضاع اقتصادی ندارد. (ناهد، س ۳، ش ۱۶، ۱۰ سرطان ۱۳۰۳ه.ش) به اضافه اینکه این اجناس جزء مایحتاج ضروری مردم نیز نیستند. (ناهد، س ۳، ش ۱۸، ۱۷ سرطان ۱۳۰۳ه.ش)

«نوبهار» نیز به همین دلیل خارج شدن مسکوکات از ایران را خارج شدن سرمایه‌های ملی دانسته، از این بابت اظهار نگرانی کرده، خواستار حل این مشکل شده است. (نوبهار، س ۱۳، ش ۱۵، ۱۲ جدی ۱۳۰۱ه.ش)

«نهضت شرق» نیز از واردات بیش از حد کالاهای لوکس خارجی گلایه کرده، با بیان این مطلب که اگر صادرات و واردات در یک کشور تراز نباشد، به این معنی که واردات کشور بیش از صادرات باشد، آن کشور دچار ضربه شدید اقتصادی می‌شود؛ تا جایی که استقلال کشور زیر سوال خواهد رفت. طی نامه ایی از نمایندگان مجلس چهارم خواستار رسیدگی به این معضل اقتصادی است. (نهضت شرق، س ۱، ش ۱، ۲۸ قوس ۱۳۰۰ه.ش)

«تذکر» نیز با چاپ بیانیه امیر افغانستان به ملتش مبنی بر استفاده از کالاهای داخلی، بر سخنان وی صحه گذارده، (تذکر، س ۱، ش ۱۱، ۱۵ جدی ۱۳۰۱ه.ش) از عدم توازن در صادرات و واردات

در ایران انتقاد می کند، به خصوص از این که کالاهای وارداتی اغلب لوکس بوده، نیازی به واردات آن نیست ابراز تاسف می نماید. (تذکر، س ۱، ش ۱، ۱۵ اسد ۱۳۰۱ ه.ش) در راستای رونق تجارت از دولت خواستار تاسیس مدارس تجارت، بهبود وضعیت حمل و نقل و ارتباطات در تهران و سایر شهرهای ایران است. (تذکر، س ۱، ش ۱۲، ۱۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش)

«آینده» نیز مانند مجله «تذکر» خواستار تاسیس مدرسه عالی تجارت بوده؛ در این زمینه به اصلاحات اقتصادی اروپا اشاره کرده، تاسیس مدرسه تجارت را گامی مهم در راستای نوسازی اقتصادی می داند، زیرا این مدرسه می تواند تجاری تربیت کند که فکری باز برای اقتصادی موفق دارند و می توانند ثروت مملکت را افزایش دهند علاوه بر آن به اغلب ادارات اقتصادی مثل گمرکات، ... خدمات مفیدی ارائه دهند. همچنین رکود اقتصادی و فقر مملکت که به واسطه عدم سواد تجاری تجار است از بین می رود و تجار ایرانی با دانستن زبانهای خارجی و آگاهیهایی که راجع به حمل و نقل و وسایل نقلیه دنیا، حقوق و قوانین تجاری و علم اقتصاد در این مدارس می آموزند در راستای نوسازی اقتصادی گام بردارند. (آینده، س ۱، ش ۸، اسفند ۱۳۰۴ ه.ش)

«گلشن» نیز نقش علم و دانش را در رونق و بسط تجارت بسیار مهم می داند. (گلشن، س ۵، ش ۷۳، ۸ حوت ۱۳۰۱ ه.ش)

ماهانامه «پست و تلگراف» نیز از دولت خواستار بسط وزارتخانه پست و تلگراف بوده، نقش این وزارتخانه را در رونق اقتصاد به خصوص اعتلای تجارت بسیار پررنگ ذکر می کند. (پست و تلگراف، س ۱، ش ۱، مرداد و شهریور ۱۳۰۴ ه.ش)

«پیکان» بهبود اوضاع اقتصادی را از طریق رونق تجارت ممکن دانسته، (پیکان، س ۱، ش ۵۶، ۳۱ شهریور ۱۳۰۲ ه.ش) به خصوص ارتقا تجارت از راه شمال را در رونق اقتصاد ایران بسیار مهم ذکر می کند. (پیکان، س ۱، ش ۵۲، ۱۷ شهریور ۱۳۰۲ ه.ش)

روزنامه «ستاره ایران»، دخالت انگلستان را یکی از دلایل انحطاط اقتصاد ایران دانسته، در مقاله ای به نام «سبب انحطاط اقتصادی ایران»، انگلستان را به دلیل به انحصار در آوردن تجارت ایران برای خود و اینکه این کشور مانع تجارت ایران با سایر کشورهای جهان می شود، عامل انحطاط اقتصاد ایران معرفی می کند و می نویسد سیاست انگلستان دلیل عدم رشد اقتصاد ایران و ضربه زدن به تجار به خصوص تجار خرده پا ایرانی می باشد. نویسنده این نوع تجارت را «اعدام تدریجی» خوانده، با تاسف بیان می دارد «مقصد اصلی از این قسم تجارت لخت، عور، محتاج ساختن ملتی و مجبور ساختن افراد آن ملت است برای اجرای نقشه های سیاسی بمساعدت

ناچاری و اضطراب مردم»، «ستاره ایران» عقیده دارد انگلستان به دلیل حفظ انحصار اقتصادی ایران با هر نوع نوسازی در کشور مخالفت کرده، اجازه ارتباط خارجی ایران با کشورهای مثل روسیه و فرانسه را نمی‌دهد. (ستاره ایران، س ۸، ش ۳۶، ۸ سنبله ۱۳۰۰ه.ش) این نشریه تنها راه اصلاحات اقتصادی را در قوی کردن تجارت خارجی ایران دانسته، (ستاره ایران، س ۱۰، ش ۱۹، ۴ سنبله ۱۳۰۳ه.ش) نقش تجارت و تجار را در رونق اقتصاد بسیار مهم می‌داند. زیرا یک کشور تنها در صورت بهره مندی از یک تجارت قوی می‌تواند محصولات خود را به فروش رساند و این باعث رونق صنعت و کشاورزی خواهد شد. پس «در یک مملکتی تجار مانند رگهای بدن انسان هستند که خون را در تمام بدن جریان میدهند» و به دلیل نقشی که در زندگی اقتصادی یک کشور و حتی بین المللی دارند همیشه در سیاست‌های داخلی و خارجی عوامل موثری هستند. نویسنده امیدوار است در نوسازی اقتصادی ایران بوجود آمده نقش تجار در سیاست نیز پررنگتر شود. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۴۶، ۲۲ حوت ۱۳۰۲ه.ش)

«طوفان» نیز با «ستاره ایران» هم عقیده بوده، علت قدرت انگلیس را به دلیل رونق تجارت این کشور دانسته، از آن به عنوان «اسلحه بزرگ انگلیسها» یاد می‌کند. راه حل آن را در شروع یک «مبارزه اقتصادی» با دولت انگلیس دانسته، بیان می‌دارد: «باید بتدریج از استعمال تجارت انگلیس صرف نظر کرده و از یکطرف بوسیله کارخانه و ماشین احتیاج خودمان را کم کنیم. وقتیکه تجار ایران سرمایه خود را هر چه هست صرف وارد کردن کارخانه و فابریک‌های صنعتی نموده و دلال‌های ما هم کمتر پیرامون اجناس انگلیسی گشتند بطور تحقیق مردم ایران میتوانند خرسند باشند که توانسته اند به دولت انگلیس لطمه بزنند» زیرا دولت انگلیس تنها به فکر تجارت و لطمه به کشورهای ضعیف می‌باشد، تنها راه برای در هم کوبیدن تجارت انگلیس را در تحریم کالاهای انگلیسی توسط مردم ایرانی می‌داند. (طوفان، س ۲، ش ۱۰۳، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ه.ش)

«کوشش» نیز بر این باور است که انگلیس با وجود دشمنی با ملت ایران به دلیل منافع اقتصادی خود متمایل به داشتن روابط تجاری و اقتصادی با ایران می‌باشد. (کوشش، س ۱، ش ۷۵، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ه.ش) در حالی که ورود اجناس لوکس خارجی به نفع اقتصاد ایران نیست از مردم و تجار خواستار تحریم کالاهای خارجی به خصوص انگلیسی است. (کوشش، س ۱، ش ۷۷، ۲۵ اسد ۱۳۰۲ه.ش)

«ستاره صبح» نیز با لحنی تند تجاری را که ارز کشور را برای وارد کردن اجناس بی مصرف هدر می دهند «احمق» خوانده، آنان را «خارهای اصلاح» می نامد. (ستاره صبح، س ۱۴)، ش ۳، ۱۰ تیر ۱۳۰۴ ه.ش)

«شفق سرخ» همچنین نقش تجارت در سیاست خارجی را مهم دانسته، توصیه می کند از واردات کالاهای غیر ضروری جلوگیری به عمل آید زیرا «روابط ما با دول خارجه فقط و فقط باید از لحاظ منافع ایران و برای پیشرفت مسائل اقتصادی ما باشد لذا مامورین سیاسی و تجارتمی ما باید غیر از این مساله نقطه نظر دیگری نداشته باشند و مواظب باشند لطمه به تجارت ما وارد نیاید و تنها وظیفه آنها ویزا کردن تذکره مرور نیست و سعی کنند روی زمینه اشتراک منافع و تبادل منفعت دوستی ما را با دول خارجه مستحکم کنند». (شفق سرخ، س ۴، ش ۳۲۰، ۲۰ فروردین ۱۳۰۴ ه.ش)

ماهانامه «فلاح و تجارت» اشکالات در «اوزان و مقادیر» را بزرگترین عیب اقتصاد ایران دانسته، بر این باور است که این مساله باعث محدود شدن تجار می شود، زیرا: «با حالت حاضره یک نفر تاجر که بخواهد با ولایات داخله مشغول داد و ستد باشد محتاج است که خود شخصا یا بوسیله دیگری از میزان و مقادیر هر ولایت مطلع شود تا بتواند آنها را با یکدیگر مقایسه کرده میزان حقیقی و قیمت هر جنس را بدست آورد و بعلاوه از اصطلاحات هر ولایت نیز جداگانه کسب اطلاع کند تا بداند ۱۶ مثقال را در طهران سیر و در اصفهان نار و در فارس وقه می گویند و قس علی ذالک» نویسنده این معضل را از مشکلات خارجیان مسافر در ایران دانسته، عقیده دارد بعضی از تجار به این وسیله از خارجیان کلاهبرداری می کنند. اصلاحات در «اوزان و مقادیر» را باعث سهولت در تجارت دانسته، بر این باور است که باعث رونق تجارت و اقتصاد خواهد شد. (فلاح و تجارت، س ۴، ش ۴، سرطان ۱۳۰۰ ه.ش)

«مرد آزاد» در خصوص بهبود اقتصاد ایران، به نقش تجارت اشاره کرده، خواستار افزایش تعرفه گمرکی روسیه است؛ عمل نمودن به این پیشنهاد را باعث «ازدیاد عایدات گمرکی» و «نقصان واردات» دانسته، عقیده دارد قانون گمرکی که با زور از طرف دولت روسیه به ایران تحمیل شده باید ملغی گردد، و قوانین گمرکی جدیدی با توجه به منافع ایران وضع شود. (مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش) این نشریه همچنین فقدان وسایل حمل و نقل را یکی از موانع رونق تجارت در ایران ذکر می کند. (مرد آزاد، س ۱، ش ۱۱۴، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ ه.ش)

«مات و حیات» نیز راه رسیدن به یک جامعه متمدن را در تجارت خارجی دانسته، از تجارت به عنوان «روابط و مراودات اجتماعات با اجتماعات» نام می برد. رشد سریع جوامع اروپایی و آمریکا را منوط به تجارت دانسته، دلیل موفق نبودن تجارت خارجی ایران را عدم وجود وسایل حمل و نقل به خصوص راه آهن می داند. (مات و حیات، ثور ۱۳۰۱ ه.ش)

«دنیای امروز» نیز به نقش راه آهن در رونق اقتصادی تاکید کرده، با اشاره به مجله «حیات و مات» اظهارات نویسنده آن مجله را ستوده؛ از این که سیاستمداران ایرانی به مطالب آن توجه نمی کنند؛ اظهار تاسف می کند. (دنیای امروز، س ۱، ش ۳، ۱۳ جوزا ۱۳۰۱ ه.ش)

هفته نامه «نامه جوانان» نیز نقش راه آهن در توسعه تجارت را اساسی دانسته، استفاده از کالاهای بی مصرف خارجی را به ضرر اقتصاد ایران می داند. از دولت خواستار اجبار مردم برای استفاده از کالاهای داخلی است. (نامه جوانان، س ۱، ش ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲ ه.ش)

«بدر» دلیل انحطاط تجارت ایران را سیاست های دول اروپایی می داند: «یکسان بر ضد شئون ما داخل در عملیات میشوند در راه ترقی و تعالی و سیر اقتصادی مملکت خاها میتراشند و برای ایجاد فقر و گرسنگی در جامعه ایران از تصویب معاهده تجارتي تعلق ورزیده تجارت را در سر پنجه حریصانه خود میخوانند خفه نمایند» (بدر، س ۳، ش ۲۹، ۲۳ اسد ۱۳۰۲ ه.ش)

«حیات» نیز با بیان این مطلب که «تجارت روح مملکت است» تجارت ایران را بیمار دانسته، بر این باور است که بازارهای ایران در انحصار انگلیس است؛ به همین دلیل از تجار ایرانی درخواست می کند، برای حفظ «سرمایه و حیثیت خود» تجارت داخلی را رونق داده، مانع خروج ثروت از مملکت شوند. (حیات، س ۱، ش ۶، ۶ سنبله ۱۳۰۱ ه.ش)

«عصر انقلاب» نیز از این که ایرانیان غرور ملی خود را از دست داده اند؛ اظهار تاسف کرده، براین باور است که ایران در رابطه تجاری با روسیه متحمل خسارت شده، منافع ملی خود را فدای اجانب کرده، در حالی که سود در یک تجارت باید دو طرفه باشد. (عصر انقلاب، س ۱، ۴ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش)

۲- «صنعت»

ضرورت توسعه صنعتی به عنوان یکی از ارکان مهم نوسازی اقتصادی جزو دغدغه های اصلی مطبوعات ایران طی سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ش به شمار می آید. بر این اساس نشریه «قشون» از دولت و ملت خواستار شکل دهی به «نهضت صنعتی» در ایران بوده، بر این باور است که این «نهضت» را باید از ساخت کارخانه های کوچک آغاز نمود؛ با ساخت کارخانه های بزرگتر آن را ادامه داد، به تدریج کارخانه های ایرانی را گسترش داد، ایران را تبدیل به یک کشور صنعتی نمود. (قشون، س ۲، ش ۵، ۱ حمل ۱۳۰۱ ه.ش)

هفته نامه «قشون» به نقش آموزش و ساخت مدارس صنعتی نیز در راستای نوسازی کشور اشاره کرده، از جمله یکی از راههای ترقی کارخانه جات در ایران را «افتتاح مدارس صنعتی» با برنامه های ساده می داند. دلیل ساخت چنین مدرسی را تربیت «استادان روشن فکر و ترقی طلب» می داند. (قشون، س ۲، ش ۵، ۱ حمل ۱۳۰۱ ه.ش)

«خلق» بر این باور است که در ایران سرمایه های کوچک زیادی وجود دارد؛ که دولت می تواند از آن برای صنعتی کردن و ساخت کارخانه استفاده نماید. از این کار به عنوان «کلید استقلال اقتصادی» نام می برد. (خلق، س ۵، ش ۴۱، ۷ بهمن ۱۳۰۴ ه.ش)

«خلق» دلیل عظمت ایران در دوران شاه عباس را توجه وی به صنعت ذکر کرده، بر این باور است که وی در راستای نوسازی کشور به صنعتگران از خزانه خود سرمایه می داد و همچنین «برای تشویق صنعت گران آنها را مورد انعام و احسان شاهانه قرار میداد» این نشریه در راستای اعتلای صنعت از دولت خواستار حمایت از صنعتگران است. (خلق، س ۵، ش ۳۴، ۸ دی ۱۳۰۴ ه.ش)

«فلق» در مقاله ای به نام «مدرسه صنعتی لازم است» شرط نوسازی اقتصادی را در تربیت ایرانیان در راستای صنعتی کردن کشور ذکر می کند. این نشریه بر این باور است که تنها در این صورت اقتصاد رونق یافته، فقر و بیکاری از بین می رود. (فلق، س ۱، ش ۲، ۱۵ جلدی ۱۳۰۱ ه.ش)

«احشویروش» نقش صنعت را در نوسازی کشور مهم دانسته، بر این باور است که یک کشور برای صنعتی شدن باید به درجه ای از علم برسد. علم و صنعت را مترادف و لازمه ترقی یک ملت می داند. (احشویروش، س ۱، ش ۳، ۲۵ صفر ۱۳۴۰ ق.)

«ایران آزاد» بر این اساس در راستای صنعتی کردن کشور از دولت خواستار اقدام به واردات ماشین های صنعتی است. (ایران آزاد، س ۱، ش ۲۶، ۵ ثور ۱۳۰۱ ه.ش)

«بلدیه» دلیل صنعتی بودن کشورهای غربی را به علت بالا بودن قدرت نظامی آنان می داند. (بلدیه، س ۴، ش ۱۰، آبان ۱۳۰۴ ه.ش)

«پهلوی» نیز تنها راه «استقرار تاسیسات صنعتی و توسعه صنایع» را در قوی نمودن ارتش و اعزام دانشجویان به خارج برای یادگیری صنعت ذکر می کند. (پهلوی، س ۲، ش ۳۵، ۴ سنبله ۱۳۰۳ ه.ش) «پیکان» عقیده دارد نوسازی کشور در صورتی ممکن است که صنعت حرف اول را زده، خواستار صنعتی نمودن کشور و تربیت صنعتگران ایرانی، (پیکان، س ۱، ش ۶۱، ۲۵ مهر ۱۳۰۲ ه.ش) به صورت تاسیس کارخانه جات و آزمایشگاه‌های علمی می باشد. (پیکان، س ۱، ش ۵۶، ۳۱ شهریور ۱۳۰۲ ه.ش)

«ستاره ایران» در راستای صنعتی نمودن کشور از مجلس خواستار تصویب کلاسهای عملی صنعتی در کارخانه‌ها یا مراکز صنعتی بوده، عقیده دارد دانش آموزان باید از دوران ابتدایی به طور تخصصی در حرفه‌ای صنعتی آموزش یابند. (ستاره ایران، س ۱۰، ش ۳۳، ۲۷ سنبله ۱۳۰۳ ه.ش) این نشریه انجام این اقدامات را تنها در تهران کافی ندانسته، عقیده دارد این طرح تنها در صورتی مثمر ثمر خواهد بود که در سایر مراکز ایران و شهرستانها اعمال شود. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۹۵، ۵ جوزا ۱۳۰۳ ه.ش)

«شفق سرخ» نوسازی اقتصادی را مقدمه نوسازی در زمینه‌های دیگر دانسته، صنعتی شدن ایران را در مرحله نخست با توجه به تاریخ کشور منوط به شخص مقتدر مصلح در راس امور می داند. (شفق سرخ، س ۱، ش ۱۳، ۲۴ حمل ۱۳۰۱ ه.ش) البته استخدام کارشناسان خارجی را نیز گامی مهم در این راستا ذکر می کند. (شفق سرخ، س ۱، ش ۲۲، ۱۷ ثور ۱۳۰۱ ه.ش) راه آهن را مقدمه نوسازی اقتصادی و صنعتی نمودن کشور می داند. (شفق سرخ، س ۳، ش ۲۳۶، ۵ جوزا ۱۳۰۳ ه.ش) ماهنامه «فلاح و تجارت» از اینکه مواد اولیه ساخت بسیاری از محصولات در ایران وجود داشته، با این حال به دلیل فقدان کارخانه، کشور متحمل ضرر می شود اظهار تاسف کرده، ساخت کارخانه را راهی به سوی نوسازی می داند. همچنین این نشریه از دلایل عمده رکود صنعت در ایران را عدم حمایت دولتمردان دانسته، در این زمینه به صنایع دستی به خصوص صنعت قالی بافی اشاره می کند. عقیده دارد دولت در رونق و اعتلای این صنعت هیچ اقدام مهمی صورت نداده است. (فلاح و تجارت، س ۴، ش ۳، جوزا ۱۳۰۰ ه.ش)

«کوشش» صنعتی شدن را تنها راه نجات ایران از اضمحلال دانسته، بر این باور است که ایران برای پیشرفت، توسعه و رشد باید تکنولوژی غرب را بپذیرد. (کوشش، س ۲، ش ۹۶، عقرب ۱۳۰۳.ه.ش)

«مرد آزاد» نقش ثروت در نوسازی کشور را اساسی دانسته، بر این باور است که «جامعه بی ثروت محکوم به تحمل جمیع مصائب دنیا است» این نشریه راه ثروتمند شدن ایران را در «انقلاب صنعتی» دانسته، اولین قدم برای رسیدن به این انقلاب را ساخت کارخانه می‌داند. (مرد آزاد، س ۱، ش ۳۱، ۲۴ حوت ۱۳۰۱.ه.ش) بر این باور است که کشورهایی که به انقلاب صنعتی رسیده اند، جنس را ارزان تر تمام کرده، به همین دلیل مشتری بیشتری داشته، اقتصاد قوی تری دارند. (مرد آزاد، س ۱، ش ۳۳، ۱۸ حوت ۱۳۰۱.ه.ش)

«ناهید» نیز راه رونق اقتصاد داخلی، را در تاسیس کارخانه می‌داند. (ناهید، س ۳، ش ۱۶، ۱۰ سرطان ۱۳۰۳.ه.ش)

«نوبهار» تنها راه مطرح شدن ایران در جامعه جهانی و اثبات موجودیت سیاسی را منوط به صنعتی شدن کشور دانسته، (نوبهار، س ۱۳، ش ۱۷، ۲۶ جدی ۱۳۰۳.ه.ش) صنایع داخلی را دارای اهمیت می‌داند؛ از با توجه به این که ایران امکانات تولید انبوه برای صادر کردن محصولات را ندارد اضرار تاسف می‌کند. از وزرا و نمایندگان می‌خواهد داخلی با حمایت و تشویق صنایع داخلی، فروش آن را بیشتر کنند. علاوه بر اینکه به علت ارزاتر بودن صنایع داخلی، محصولات داخلی مقرون به صرفه نیز می‌باشند. (نوبهار، س ۱۳، ش ۹، ۲۹ عقرب ۱۳۰۱.ه.ش)

۳- معادن و نفت

بر اساس دیدگاه مطبوعات تهران، (۱۳۰۴-۱۳۰۰.ه.ش) استخراج معادن و واگذاری امتیاز نفت به کمپانی‌های خارجی یکی از ارکان مهم نوسازی اقتصاد ایران تلقی می‌شد. برای نمونه، «شهاب» موافق جذب سرمایه‌های خارجی (شهاب، س ۱، ش ۱۱، ۲۹ رمضان ۱۳۴۰.ه.ق) و واگذاری امتیاز نفت به کمپانی‌های خارجی در راستای نوسازی کشور بوده، البته به شرط اینکه کشور سرمایه گذار انگلیسی نباشد. (شهاب، س ۱، ش ۵، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۴۰)

«ایران آزاد» بهبود اوضاع اقتصادی ملت ایران را منوط به استخراج معادن زیر زمینی دانسته، عقیده دارد استخراج معادن باعث بهبود بازار کار و حل بحران بیکاری خواهد شد. (ایران آزاد، س ۱، ش ۴۹، ۱۲ جوزا ۱۳۰۱.ه.ش)

«پیکان» نیز در این خصوص با «ایران آزاد» هم عقیده بوده، استخراج معادن و ثروت های طبیعی ایران را راهی در نوسازی اقتصادی دانسته، (پیکان، س ۱، ش ۵۶، ۳۱ شهریور ۱۳۰۲ ه.ش) بر این باور است که بهره برداری از معادن به ایجاد اشتغال و از بین رفتن بیکاری می انجامد. (پیکان، س ۱، ش ۲۳، ۴ جوزا ۱۳۰۲ ه.ش)

«ترقی» نیز یکی از راههای نوسازی اقتصادی را واگذاری امتیاز نفت به آمریکاییان دانسته، عدم کامیابی در این زمینه را دخالت و مخالفت سفارتخانه های خارجی به خصوص انگلستان و مرتجعین داخلی آلت دست آنان می داند. (ترقی، س ۱، ش ۱، بی تا، ۱۳۰۲ ه.ش) این نشریه عقیده دارد اگر واگذاری امتیاز نفت به آمریکاییان تصویب شود؛ مردم ایران «از گرداب بدبختی به ساحل خوشبختی» خواهند رسید. (ترقی، س ۱، ش ۲، بی تا، ۱۳۰۲ ه.ش)

روزنامه «حقیقت» نیز در راستای نوسازی اقتصادی جلب سرمایه های خارجی برای استخراج معادن را بسیار ضروری دانسته، با این حال مخالف واگذاری امتیاز نفت شمال به آمریکائیان می باشد، زیرا احتمال اینکه آمریکا در صحنه بین المللی با انگلیس اشتراک منافع و در نتیجه دوستی داشته باشد زیاد است. نویسنده این اتحاد دو کشور را به نفع نوسازی در ایران نمی داند. (حقیقت، س ۱، ش ۴۲، ۱۹ حوت ۱۳۰۰ ه.ش)

«ستاره ایران» نفت را سرمایه ملی و رمز «حیات ایران» (ستاره ایران، س ۹، ش ۲۰۲، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳ ه.ش) خوانده، از دولت خواستار استخراج معادن زیرزمینی و بهره برداری از نفت، می باشد. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۰، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش) البته از دولت می خواهد از امتیازات گذشته درس عبرت گرفته، در واگذاری امتیازات به سرمایه گذاران خارجی دقت لازم را بعمل آورد. (ستاره ایران، س ۸، ش ۱۰۰، ۱۹ قوس ۱۳۰۱ ه.ش) «ستاره ایران» سرمایه گذاران آمریکای را گزینه مناسبی دانسته، عقیده دارد واگذاری امتیاز به آمریکاییان باعث کوتاه شدن دست روس و انگلیس از ایران، (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۷۸، ۱۲ ثور ۱۳۰۳ ه.ش) بهبود اوضاع مالی مردم، خاتمه دادن به بحران اقتصادی (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۰۳، ۲۶ جدی ۱۳۰۲ ه.ش) و رونق بازار کار خواهد شد. (ستاره ایران، س ۹، ش ۱۰، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش)

هفته نامه «قرن بیستم» نیز از موافقان واگذاری امتیاز نفت به آمریکاییان به دلیل حل بحران بیکاری است؛ زیرا «اگر کمپانی آمریکایی آلات ابزار حفر چاه های نفت را وارد کرد محتاج بچندین صد هزار آدم کاریست». (قرن بیستم، س ۲، ش ۴، ۱۴ دلو ۱۳۰۲ ه.ش)

«سیاست» نیز واگذاری امتیاز نفت در راستای نوسازی اقتصادی را «صرفه و صلاح مملکت» دانسته، این عمل را «قدم مفید» می‌نامد. این نشریه عقیده دارد یک دولت قوی و بی طرف مانند آمریکا برای اخذ این امتیاز مناسب است. زیرا ایران فاقد سرمایه برای استخراج معادن می باشد. (سیاست، س ۳، ش ۱۹، ۲۳ آوریل ۱۳۰۳. ش)

«شفق سرخ» در مقاله‌ای تحت عنوان «اولین قدم»، نخستین گام در راه نوسازی کشور را در اصلاحات اقتصادی به صورت «جلب سرمایه‌های خارجی و بکار انداختن آن در راه تولید ثروت و استفاده از منابع طبیعی ایران» دانسته زیرا «جلب سرمایه‌های خارجی و اعتماد سرمایه داران خارجی اساس اصلاحات اقتصادی است و اولین قدم بطرف این مقصد حیاتی دادن امتیاز نفت شمال» می باشد. (شفق سرخ، س ۳، ش ۲۳۵، ۲ جوزا ۱۳۰۳. ش)

«طوفان» برخلاف نظر «شفق سرخ»، با این که بهره برداری از معادن را یک راه در آمد برای ایران می داند، (طوفان، س ۱، ش ۱۰، ۷ میزان ۱۳۰۰. ش) واگذاری امتیازات به دول خارجی را محکوم کرده، علت مخالفت را در سود بردن یک طرفه خارجیان از این امتیازات می‌داند. (طوفان، س ۱، ش ۱، ۱۷ عقرب ۱۳۰۰. ش) کمپانی‌های داخلی را به کمپانی‌های خارجی ترجیح داده، بر این نکته که خزاین قادر به بهبود اوضاع معیشت مردم هستند صحه می‌گذارد با این حال مخالف واگذاری بهره برداری از منابع ثروت ایران بوده، زیرا عقیده دارد مردم و مسئولین ایران به آن درجه از بلوغ فکری و اجتماعی نرسیده‌اند، علت مخالفت خود با این قضیه را در این که «باز هم منافع این امتیاز صرف تعیش شاهزادگان و استراحت حقه بازها میشود!» می‌داند. (طوفان، س ۲، ش ۱۰۰، ۸ اسد ۱۳۰۲. ش)

«کوشش» در خصوص استخراج معادن و واگذاری آن به کمپانی‌های خارجی دو عقیده متفاوت را در مقالاتش مورد بررسی قرار داده، عقیده اول که بیشتر بدان پرداخته موافقت با واگذاری امتیاز به خارجیان بوده، آن را به نفع اصلاحات، کاهش فقر و حل بحران بیکاری می‌داند. (کوشش، س ۲، ش ۱۰۹، ۴ قوس ۱۳۰۳. ش) در عقیده دوم بر این باور است که استخراج معادن کمکی به بهبود شیوه معیشت مردم و ایجاد اشتغال نخواهد کرد. زیرا در صورت واگذاری امتیاز معادن تنها شغلی که ایرانیان به دلیل پیشرفت تکنولوژی قادر به انجام آن هستند، «بردن آجر و حمالی سنگ و بهم آمیختن گل» می باشد. (کوشش، س ۱، ش ۷، ۲۹ جدی ۱۳۰۱. ش)

«مرد آزاد» واگذاری امتیازات معادن در راستای نوسازی کشور را لازم دانسته، البته بر این باور است که نباید امتیاز یک معدن را به طور کامل به یک کمپانی خارجی واگذار کرد. (مرد آزاد، س ۱، ش ۱۰۳، ۴ اسد ۱۳۰۲ه.ش)

«مات و حیات» استخراج معادن را تنها منوط به تاسیس راه آهن دانسته، دلیل آن را «ارسال نیروی انسانی و وسایل مورد نیاز» ذکر می کند. (مات و حیات، ثور ۱۳۰۱ه.ش)

«نامه جوانان» نیز استخراج معادن را در بهبود شیوه معیشت مردم موثر می داند. (نامه جوانان، س ۱، ش ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲ه.ش)

«نوبهار» نیز با «نامه جوانان» هم عقیده بوده، بهبود فقر و سروسامان دادن به اوضاع بد اقتصادی کشور را مستلزم بهره برداری از معادن ذکر می کند. (نوبهار، س ۱۴، ش ۲۹، ۹ جوزا ۱۳۰۱ه.ش)

«بدر» نیز در مقاله ای تحت عنوان «سعادت ایران» استخراج معادن را راهی برای حل بحران اقتصادی ذکر می کند: «بدیهی است اولین قدم بسوی اصلاحات سیاسی و تکمیل نواقص و اجرای آمال عمومی استخراج منابع ثروت و کشف معادن بعبارت اخیری رفع بحران اقتصادی است - فقر و فاقه شدیدی که در جامعه حکمفرماست و موجب مصائب و مشکلات لاینحلی شده و بالطبع نفوذ اجانب و سلطه آنان را در مملکت بسط داده قومیت و حیات ما را تهدید میکند ناشی از عدم توجه باین قسمت مهم است» (بدر، س ۳، ش ۲۸ و ۲۷، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ه.ش)

«میهن» اقتصاد را با نوسازی مرتبط دانسته، با توجه به ثروت زیر زمینی کشور، حیات ایران را منوط به استخراج معادن می داند؛ «ما برای پیشرفت حیات اقتصادی خویش بایستی در بازار دنیا عرض وجود نموده بمنابع ثروت بیکران خودمان تکیه کرده عملیات هر دولت و معاملات هر ملتی برای ما مقرون به صرفه و به منفعت ما نزدیکتر است دست دوستی و رفاقت بسوی او دراز نماییم» (میهن، س ۴، فاقد شماره، ۳۰ حوت ۱۳۰۱ه.ش)

«خلق» ناهید از دولت خواستار بکارگیری منابع ثروت با سرمایه های خارجی، در راستای نوسازی اقتصادی می باشد. (خلق، س ۵، ش ۳۳، ۵ دی ۱۳۰۴ه.ش)

نتیجه گیری

با مطالعه و بررسی مقالات اقتصادی مطبوعات تهران از کودتای ۱۲۹۹ ه.ش تا سال ۱۳۰۴ ه.ش می توان به اهمیت موضوع نوسازی اقتصادی در محافل روشنفکری پی برد. مطبوعات مورد نظر، بر این باور بودند که ایران در مرحله نخست نوسازی نیازمند حل بحران اقتصادی بوده، هرگونه اصلاحی در ساختار اجتماعی، فرهنگی و نظامی محتاج به سرمایه گذاری می باشد. در واقع مقالات منتشر شده، بر لزوم نوسازی اقتصادی به عنوان پیش نیاز نوسازی در دیگر نهادهای کشور تاکید می دارند. اغلب این نشریات با توجه به شرایط اقلیمی ایران بر این باور بودند که کشور ایران با توسعه کشاورزی قادر خواهد بود خود را به سطح کشورهای متمدن دنیا رسانده، کشاورزی در ایران استعداد صنعتی شدن، تولید انبوه و توانایی نفوذ در بازارهای جهانی را دارا می باشد. همچنین با توجه به موقعیت سوق الجیشی ایران بر این باور بودند که کشور ایران قادر به گسترش تجارت خارجی با ممالک دنیا به شیوه ای صحیح با حفظ منافع خود می باشد. ساخت کارخانه، آموزش صنعتگران به صورت تخصصی و حرفه ای، همچنین احیای صنعت های قدیمی کشور مانند قالی بافی، به عنوان یکی از ارکان مهم نوسازی اقتصادی مورد توجه مطبوعات بوده است. همچنین جلب سرمایه های خارجی و بهره برداری از معادن زیر زمینی و استخراج نفت در راستای وارد شدن ارز به کشور و حل بحران اقتصادی از دیگر موضوعات مهمی است که در راستای ضرورت نوسازی اقتصادی مورد توجه مطبوعات قرار گرفته است. بدیهی است طرح چنین نظریات و پیشنهادهای در مطبوعات دوره مورد نظر (۱۳۰۴-۱۳۰۰ ه.ش) را باید در تداوم اندیشه اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار و در راستای تحقق بخش مهمی از آرمان های انقلاب مشروطه ایران در زمینه توسعه اقتصادی به شمار آورد.

یادداشتها:

۱ شماره اول ماهنامه «آینده» در تیر ۱۳۰۴ه.ش به مدیریت دکتر محمود افشار انتشار یافت. این نشریه خود را چنین معرفی می کند: «مجله ایی سیاسی و ملی با قسمت های تاریخی، ادبی، اجتماعی، اقتصادی و غیره»

۱ مجله «بلدیه» در تهران و در سال ۱۳۰۰ ه.ش از طرف اداره نشریات «بلدیه» منتشر شد. این مجله مدیر مسئول نشریه را رضا شهرزاد و خود را «مجله ای دارای مقالات اجتماعی، فنی و اطلاعات رسمی» معرفی کرده است.

۱ «ماهنامه فلاح و تجارت» از انتشارات اداره کل همین اداره بوده، در حمل سال ۱۲۹۷ه.ش تاسیس شد و تا سال ۱۳۰۰ه.ش تحت مدیریت سعید نفیسی انتشار می یافت. (رجوع شود به تاریخ جراید و مطبوعات، محمد صدر هاشمی) این ماهنامه خود را چنین معرفی می کند: «مجله ای است علمی و عملی محتوی مقالات اقتصادی و معلومات راجعه بامور مربوط بفلاح-تجارت- صنایع- جنگلها- آبها - معادن - راهها و پلها و غیره که از طرف اداره کل فلاح و تجارت منتشر می شود»

۱ تاسیس ۱۳۰۰ه.ش به صاحب امتیازی ضیاء الواعظین می باشد.

۱ «دنیای امروز» مجله هفتگی تاسیس در سال ۱۳۰۱ه.ش می باشد.

اروزنامه «ایران» تاسیس در سال ۱۲۸۸ ه.ق به مدیریت محمد حسن خان اعتمادالسلطنه می باشد. ابتدا یک روزنامه دولتی بوده، از اول فروردین ۱۳۰۲ ه.ش مستقل شد و مدیریت آن با میرزا زین العابدین راهنما قرار گرفت. (جمهوری خواهی در ایران، غلامعباس مصلی نژاد، ص ۲۷۵)

۱ «ستاره ایران» در تهران به مدیریت میرزا حسین خان صبا ملقب به کمال السلطان در سال ۱۳۳۳ ه.ق تاسیس شد پس از مرگ صبا در سال ۱۳۰۳ ه.ش این نشریه با امتیاز اعتصام زاده از ۲۱ دی ۱۳۰۳ ه.ش منتشر شد. (مراجعه شود به تاریخ صدر هاشمی، ص ۱۷)

۱ «شفق سرخ» به مدیریت علی دشتی انتشار یافت شماره اول آن در ۱۱ اسفند ۱۳۰۰ ه.ش انتشار یافت.

۱ روزنامه «طوفان» در تهران به مدیریت فرخی در ۲ سنبله ۱۳۰۰ه.ش انتشار یافت. این نشریه تا سال ۱۳۰۷ه.ش منتشر می شد. مرام خود را حفظ منافع مادی و معنوی ایران می داند.

۱ «قرن بیستم» به مدیریت میرزاده عشقی در تهران به چاپ رسیده شماره اول آن در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۰ ه.ش منتشر شد «قرن بیستم» خود را نشریه ای «هفتگی» معرفی می کند.

- ۱ «نهضت شرق» در تهران به صاحب امتیازی ح. رجائی و موسس روزنامه احمد آذری می باشد. این نشریه در سال ۱۳۰۰ ه.ش انتشار یافت.
- ۱ «پیکان» در تهران به مدیریت محمد وثوق همایون انتشار یافت شماره اول آن در ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۱ منتشر شده است این روزنامه هفته ای دو بار چاپ می شده است.
- ۱ مجله «علوم مالیه و اقتصاد» به صاحب امتیازی افخم السلطان و موسسی ثقه الدوله هر سه ماه یکبار انتشار می یافت. شماره اول آن مصادف با حوت ۱۳۰۲ ه.ش، حمل و ثور ۱۳۰۳ ه.ش می باشد.
- ۱ «کوشش» در تهران به مدیریت شکرالله صفوی در جدی سال ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت.
- ۱ «ندای قدس» در تهران به مدیریت حسین قدس در سال ۱۳۰۴ ه.ش انتشار یافت.
- ۱ مجله «مما و حیات» در تهران به مدیریت کاشف السلطنه پرنس دوچای در سال ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. رساله ای در باب فواید راه آهن می باشد.
- ۱ «حیات ایران» در سال ۱۳۰۱ ه.ش به صاحب امتیازی ناصر سیف انتشار یافت. خود را مجله ای «سیاسی، ملی، اجتماعی» معرفی می کند.
- ۱ روزنامه «اتحاد» در سال ۱۳۰۰ ه.ش به مدیریت سید کاظم سرکشیک زاده معروف به اتحاد انتشار یافت. خود را «یومیه» معرفی می کند.
- ۱ «پژوهش» در سال ۱۳۰۱ ه.ش پس از توقیف روزنامه «ایران آزاد» به جای این نشریه منتشر شد.
- ۱ این روزنامه در تهران به صاحب امتیازی ع. بهبهانی مدیر مسئولی س. م. تاسیس شد و شماره اول آن در ۹ دی ۱۳۰۰ انتشار یافت. حقیقت خود را روزنامه ای «اجتماعی و طرفدار رنجبران و اتحادیه های کارگران» معرفی کرده شعار روزنامه «رنجبر روی زمین اتحاد» می باشد.
- ۱ روزنامه «فلق» در تهران به مدیریت صادق بروجردی در سال ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. این نشریه خود را «طرفدار مظلومان و کارگران» معرفی می کند.
- ۱ «خلق» در شهریور ۱۳۰۴ ه.ش پس از توقیف روزنامه «افلاک» انتشار یافت. لازم به ذکر است که «افلاک» نیز به جای «ناهید» و پس از توقیف آن انتشار می یافت.
- ۱ این نشریه در سال ۱۳۰۱ ه.ش منتشر شده از انتشارات وزارت جنگ بود روی جلد نیز نشان وزارت جنگ چاپ می شده است مدیریت نشریه با نوبخت بوده است.
- ۱ روزنامه «ناهید» در تهران به مدیریت میرزا ابراهیم خان ناهید تاسیس شده، شماره اول آن در ۲۲ فروردین ۱۳۰۰ انتشار یافت. ناهید خود را «مجله ای اخلاقی-فکاهی-کاریکاتور» معرفی می کند.

۱ «نوبهار» از سال ۱۳۳۳ه.ق با انتخاب ملک الشعراء به نمایندگی مجلس از مشهد به تهران انتقال یافت و نشریه ای سیاسی و خبری بود (رجوع کنید به تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، ج ۴، ص ۳۱۱، سال ۱۳۳۱)

۱ شماره اول سال اول مجله «تذکر» در مرداد ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافته، این نشریه در روی جلد خود را چنین معرفی کرده است: «تذکر مجله ای است دیانتی، اخلاقی، ادبی و مندرجات آن بیشتر مقالات مربوط بتفسیر آیات قرآنی و امور دینی و اخلاقیست»

۱ «گلشن» در سال ۱۲۹۶ ه.ش به مدیریت و سردبیری آسید محمدرضا امیر رضوانی در تهران تا سال انتشار یافت و توقیف شد تا سال ۱۲۹۹ ه.ش از توقیف خارج و مجدداً انتشار یافت (صدر هاشمی، ص ۱۶۳) شماره اول سال پنجم آن در ۱۷ برابر با ۱۷ تیر ۱۳۰۰ ه.ش می باشد.

۱ ماهنامه «پست و تلگراف» در مرداد ۱۳۰۴ ه.ش در تهران به مدیریت میر محمد خان حجازی و کفالت نصرالله فلسفی انتشار یافت.

۱ «ستاره صبح» پس از توقیف «ناهید» به جای این روزنامه منتشر شده است. اولین شماره آن در ۱۳ تیر ۱۳۰۴ ه.ش با همان آرم و لوگو «ناهید» انتشار یافته، خود را روزنامه ای «اخلاقی - فکاهی - کاریکاتور» معرفی می کند. نام صاحب و سردبیر را عنوان نکرده و با این علامت (!؟) بیان کرده است. مدیر مسئول را س.ح. مقدس زاده معرفی نموده است.

۱ «مرد آزاد» در تهران به مدیریت علی اکبر داور تاسیس شد. نخستین شماره «مرد آزاد» در بهمن ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. شعار این نشریه «اول اصلاح اقتصادی» می باشد که در بالای آن درج شده است.

۱ «نامه جوانان» در سال ۱۳۰۲ ه.ش در تهران به مدیریت ابراهیم خواجه نوری تاسیس شد.

۱ روزنامه «بدر» در تهران به مدیریت محمد جناب زاده در سال ۱۳۰۰ تاسیس شد.

۱ روزنامه «حیات» به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی فلسفی، شماره اول آن در ۶ حمل ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. حیات خود را چنین معرفی می کند: «این روزنامه مروج معارف و طرفدار حقوق عوام است»

۱ «عصر انقلاب» به جای «شفق سرخ» به صاحب امتیازی میرزا آقاخان همدانی انتشار یافت.

۱ این نشریه خود را از انتشارات جمعیت جوانان وطن و ناشر افکار این جمعیت دانسته، شماره اول آن در ۵ صفر ۱۳۴۰ ه.ق منتشر شده است که برابر با سال ۱۳۰۱ ه.ش می شود صاحب امتیاز

و مدیر مسئول این نشریه ابوالفضل قریب ابن حاجی شمس العلماء بود. در جایی عنوان می کند نام نشریه را از یکی از پادشاهان باستانی ایران اخذ کرده است.

^۱مجله «پهلوی» در تهران به مدیریت یاور حسینعلی خان رزم آرا ملقب به افتخار نظام تاسیس شد. شماره اول آن در ۲۲ اسفند ۱۳۰۲ ه.ش انتشار یافت.

^۱«شهاب» در تهران به مدیریت فخرالدین وفا و صاحب امتیازی ع. ملک افصلی در سال ۱۳۰۱ ه.ش انتشار یافت. خود را چنین معرفی می کند: «روزنامه ایست اجتماعی طرفدار محصلین»

^۱«ترقی» به مدیریت میرزا لطف الله دانشمند در تهران ۲۲ سرطان ۱۳۰۲ ه.ش انتشار یافت.

^۱«سیاست» به امتیاز و مدیر مسئولی عباس اسکندری و سردبیری میرزا باقر خان تبریزی در تهران تاسیس شده، شماره اول این نشریه در ۱۶ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش انتشار یافت.

^۱روزنامه «میهن» در شهر اصفهان به مدیریت میرزا ابوطالب خان شیروانی در سال ۱۲۹۸ ه.ش تاسیس شد از سال ۱۲۹۹ ه.ش در تهران انتشار یافت و تا ۳۰ اسفند ۱۳۰۴ ه.ش منتشر می شده است (صدر هاشمی، ج ۴ ص ۲۴۵ تا ۲۵۱)

کتابنامه:

- ۱- آبادیان، حسین. ۱۳۷۵، بسترهای تاسیس سلطنت پهلوی ۱۳۰۴-۱۲۹۹ ه.ش، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- ۲- آبراهامیان، پروانده. ۱۳۸۹، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی؛ محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- ۳- اتابکی، تورج. ۱۳۸۵، تجدد آمرانه جامعه و دولت در عصر رضا شاه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس.
- ۴- اتحادیه، منصوره. ۱۳۷۵، مجلس و انتخابات، تهران، نشر تاریخ.
- ۵- بهار، محمد تقی (ملک الشعراء). ۱۳۵۷، تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۶- جمالزاده، محمدعلی. ۱۳۸۴، اوضاع اقتصادی ایران، تهران، سخن.
- ۷- خلیلی خو، محمدرضا. ۱۳۷۲، توسعه و نوسازی ایران در دوره رضا شاه، بی جا.
- ۸- رزاقی، ابراهیم. ۱۳۶۷، اقتصاد ایران، تهران، نی.
- ۹- شمیم، علی اصغر. ۱۳۴۲، ایران در دوران سلطنت قاجاریه، تهران، ابن سینا.
- ۱۰- عیسوی، چارلز. ۱۳۶۹، تاریخ اقتصادی ایران، یعقوب آژند، تهران، گستره.
- ۱۱- فوران، جان. ۱۳۷۷، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۲- قلفی، محمدوحید. ۱۳۷۹، مجلس و نوسازی در ایران (۱۳۰۲-۱۳۱۱ ه.ش)، تهران، نی.
- ۱۳- مصلی نژاد، غلامعباس. ۱۳۸۳، جمهوری خواهی در ایران، تهران، قومس.
- ۱۴- مکی، حسین. ۱۳۵۸، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، امیرکبیر.
- ۱۵- موثقی، احمد. ۱۳۸۵، نوسازی و اصلاحات در ایران (از اندیشه تا عمل)، تهران، قومس.
- ۱۶- مهمید، محمدعلی. ۱۳۶۱، تاریخ دیپلماسی ایران، تهران، میترا.

نشریات:

- ۱- «آینده»: سال اول، شماره ۱، تیر ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال اول، شماره ۲، شهریور ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال اول، شماره ۸، اسفند ۱۳۰۴ ه.ش.
- ۲- «اتحاد»: سال اول، شماره ۱۴۵، ۲۲ حمل ۱۳۰۱ ه.ش.
- ۳- «احشویروش»: سال اول، شماره ۳، ۲۵ صفر ۱۳۰۱ ه.ش.

- ۴- «ایران»: سال پنجم، شماره ۹۷۳، ۱۳ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال پنجم، شماره ۱۶۸، ۶ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش.
- ۵- «ایران آزاد»: سال اول، شماره ۷، ۳۰ دلو ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، شماره ۲۶، ۵ ثور ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، شماره ۴۹، ۱۲ جوزا ۱۳۰۱ ه.ش.
- ۶- «بدر»: سال سوم، شماره ۲۷ و ۲۸، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال سوم، شماره ۲۹، ۲۳ اسد ۱۳۰۲ ه.ش.
- ۷- «بلدییه»: سال چهارم، شماره ۱۰، آبان ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال چهارم، شماره ۱۳، بهمن ۱۳۰۴ ه.ش.
- ۸- «پژوهش»: سال اول، فاقد شماره، ۱۴ سرطان ۱۳۰۱ ه.ش.
- ۹- «پست و تلگراف»: سال اول، شماره ۱، مرداد و شهریور ۱۳۰۴ ه.ش.
- ۱۰- «پهلوی»: سال دوم، شماره ۳۵، ۴ سنبله ۱۳۰۳ ه.ش.
- ۱۱- «پیکان»: سال اول، شماره ۹، ۲۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، شماره ۲۳، ۴ جوزا ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، شماره ۵۲، ۱۷ شهریور ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، شماره ۵۶، ۳۱ شهریور ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، شماره ۶۱، ۲۵ مهر ۱۳۰۲ ه.ش.
- ۱۲- «تذکر»: سال اول، شماره ۱، ۱۵ اسد ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، شماره ۱۱، ۱۵ جدی ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال اول، شماره ۱۲، ۱۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش.
- ۱۳- «ترقی»: سال اول، شماره ۱، بی تا، ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال اول، شماره ۲، بی تا، ۱۳۰۲ ه.ش.
- ۱۴- «حقیقت»: سال اول، شماره ۱۷، ۱۶ دلو ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، شماره ۴۰، ۱۷ حوت ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، شماره ۴۲، ۱۹ حوت ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، شماره ۴۶، ۲۵ حوت ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، شماره ۱۴، ۲۲ ثور ۱۳۰۱ ه.ش.
- ۱۵- «حیات»: سال اول، شماره ۶، ۶ سنبله ۱۳۰۱ ه.ش.
- ۱۶- «حیات ایران»: سال دوم، شماره ۹۴، ۲۸ قوس ۱۳۰۲ ه.ش.
- ۱۷- «خلق»: سال پنجم، شماره ۲۹، ۲۱ آذر ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال پنجم، شماره ۴۱، ۷ بهمن ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال پنجم، شماره ۳۳، ۵ دی ۱۳۰۴ ه.ش؛ سال پنجم، شماره ۳۴، ۸ دی ۱۳۰۴ ه.ش.
- ۱۸- «دنیای امروز»: سال اول، شماره ۱، ۲۶ ثور ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال اول، شماره ۳، ۱۳ جوزا ۱۳۰۳ ه.ش.
- ۱۹- «ستاره ایران»: سال هشتم، شماره ۳۶، ۸ سنبله ۱۳۰۰ ه.ش؛ سال هشتم، شماره ۱۰۰، ۱۹ قوس ۱۳۰۱ ه.ش؛ سال نهم، شماره ۱۰، ۱۷ اسد ۱۳۰۲ ه.ش؛ سال نهم، شماره ۱۰۲، ۲۵ جدی

- ۱۳۰۲ه.ش؛ سال نهم، شماره ۱۰۳، ۲۶ جلدی ۱۳۰۲ه.ش؛ سال نهم، شماره ۱۴۶، ۲۲ حوت ۱۳۰۲ه.ش؛
سال نهم، شماره ۱۷۸، ۱۲ آثور ۱۳۰۳ه.ش؛ سال نهم، شماره ۲۰۲، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳ه.ش؛ سال نهم، شماره
۱۹۵، ۵ جوزا ۱۳۰۳ه.ش؛ سال دهم، شماره ۱۹، ۴ سنبله ۱۳۰۳ه.ش؛ سال دهم، شماره ۳۳،
۲۷ سنبله ۱۳۰۳ه.ش.
- ۲۰- «ستاره صبح»: سال اول (چهارم)، شماره ۳، ۱۰ تیر ۱۳۰۴ه.ش.
- ۲۱- «سیاست»: سال سوم، شماره ۱۹، ۲ آثور ۱۳۰۳ه.ش.
- ۲۲- «شفق سرخ»: سال اول، شماره ۱۳، ۲۴ حمل ۱۳۰۱ه.ش؛ سال اول، شماره ۲۲،
۱۷ آثور ۱۳۰۱ه.ش؛ سال اول، شماره ۳۰، ۱۱ جوزا ۱۳۰۱ه.ش؛ سال سوم، شماره ۲۳۶،
۵ جوزا ۱۳۰۳ه.ش؛ سال سوم، شماره ۲۳۵، ۲ جوزا ۱۳۰۳ه.ش؛ سال چهارم، شماره ۳۲۰،
۲۰ فروردین ۱۳۰۴ه.ش؛ سال چهارم، شماره ۳۲۱، ۲۳ فروردین ۱۳۰۴ه.ش.
- ۲۳- «شهاب»: سال اول، شماره ۵، ۱۸ ذیقعدہ ۱۳۰۱ه.ش؛ سال اول، شماره ۱۱،
۲۹ رمضان ۱۳۰۱ه.ش.
- ۲۴- «طوفان»: سال اول، شماره ۱، ۱۷ عقرب ۱۳۰۰ه.ش؛ سال اول، شماره ۱۰، ۷ میزان ۱۳۰۰ه.ش؛
سال دوم، شماره ۱۷، ۱۰۳ اسد ۱۳۰۲ه.ش؛ سال دوم، شماره ۱۰۰، ۸ اسد ۱۳۰۲ه.ش؛ سال سوم،
شماره ۱۵، ۷ میزان ۱۳۰۲ه.ش.
- ۲۵- «عصر انقلاب»: سال اول، فاقد شماره، ۴ سنبله ۱۳۰۰ه.ش.
- ۲۶- «علوم مالی و اقتصاد»: سال اول، شماره ۲، جوزا و سرطان و اسد ۱۳۰۳ ه.ش.
- ۲۷- «فلاحت و تجارت»: سال چهارم، شماره ۳، جوزا ۱۳۰۰ه.ش؛ سال چهارم، شماره ۴،
سرطان ۱۳۰۰ه.ش.
- ۲۸- «فلق»: سال اول، شماره ۲، ۱۵ جلدی ۱۳۰۱ه.ش؛ سال اول، شماره ۸، ۲۹ دلوا ۱۳۰۱ه.ش.
- ۲۹- «قرن بیستم»: سال اول، شماره ۲، ۲۱ آثور ۱۳۰۰ه.ش؛ سال دوم، شماره ۴، ۱۴ دلوا ۱۳۰۲ه.ش؛
سال دوم، شماره ۷، ۲۷ دلوا ۱۳۰۱ه.ش.
- ۳۰- «قشون»: سال دوم، شماره ۵، ۱ حمل ۱۳۰۱ه.ش.
- ۳۱- «کوشش»: سال اول، شماره ۷، ۲۹ جلدی ۱۳۰۱ه.ش؛ سال اول، شماره ۷۵، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ه.ش؛
سال اول، شماره ۷۷، ۲۵ اسد ۱۳۰۲ه.ش؛ سال اول، شماره ۱۰۵، ۲۵ قوس ۱۳۰۲ه.ش؛ سال دوم،
شماره ۹۶، ۱۳۰۳ه.ش؛ سال دوم، شماره ۱۰۹، ۴ قوس ۱۳۰۳ه.ش.
- ۳۲- «گلشن»: سال پنجم، شماره ۷۳، ۸ حوت ۱۳۰۱ه.ش.

- ۳۳- «مات و حیات»: ثور ۱۳۰۱ ه. ش.
- ۳۴- «مرد آزاد»: سال اول، شماره ۳۱، ۲۴ حوت ۱۳۰۱ ه. ش؛ سال اول، شماره ۳۳، ۱۸ حوت ۱۳۰۱ ه. ش؛ سال اول، شماره ۱۰۱، ۳۰ سرطان ۱۳۰۲ ه. ش؛ سال اول، شماره ۱۰۳، ۴ اسد ۱۳۰۲ ه. ش؛ سال اول، شماره ۱۱۴، ۲۱ اسد ۱۳۰۲ ه. ش.
- ۳۵- «میهن»: سال چهارم، فاقد شماره، ۳۰ حوت ۱۳۰۱ ه. ش.
- ۳۶- «ناهید»: سال سوم، شماره ۱۶، ۱۰ سرطان ۱۳۰۳ ه. ش؛ سال سوم، شماره ۱۵، ۷ سرطان ۱۳۰۳ ه. ش؛ سال سوم، شماره ۱۶، ۱۰ سرطان ۱۳۰۳ ه. ش؛ سال سوم، شماره ۱۸، ۱۷ سرطان ۱۳۰۳ ه. ش.
- ۳۷- «نامه جوانان»: سال اول، شماره ۱، ۲۶ سنبله ۱۳۰۲ ه. ش.
- ۳۸- «ندای قدس»: سال اول، شماره ۲، آبان ۱۳۰۴ ه. ش.
- ۳۹- «نوبهار»: سال سیزدهم، شماره ۹، ۲۹ عقرب ۱۳۰۱ ه. ش؛ سال سیزدهم، شماره ۱۷، ۲۶ جدی ۱۳۰۱ ه. ش؛ سال چهاردهم، شماره ۲۹، ۹ جوزا ۱۳۰۱ ه. ش.
- ۴۰- «نهضت شرق»: سال اول، شماره ۱، ۲۸ قوس ۱۳۰۰ ه. ش؛ سال اول، شماره ۷، ۲۰ جدی ۱۳۰۰ ه. ش؛ سال اول، شماره ۴۰، ۷ جوزا ۱۳۰۱ ه. ش.